

معاون حقوقی قوه‌قضائیه

اعتقاد راسخ قوه‌قضائیه به استقلال کانون وکلای دادگستری

● **میزان:** حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمد مصدق، معاون حقوقی قوه قضائیه با اشاره به گذشت بیش از شش دهه از تصویب «آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری» اظهار کرد: ابطل مواد متعدد آیین‌نامه در سال‌های متمادی، تصویب قوانین مؤخر بر آن و بروز برخی مقتضیات روز جامعه، اصلاح این مقرره را اجتناب‌ناپذیر کرده است. او با یادآوری اینکه ۶۴ سال از تصویب آیین‌نامه یادشده می‌گذرد، گفت: با بروز تغییرات اساسی در نظام سیاسی و قانون‌گذاری، ایجاد دگرگونی در نظام قضائی کشور، افزایش تعداد پرونده‌ها، وکلا و قضات، مراجع قضائی و کانون‌های وکلا، تصویب قوانین مؤخر بر آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال و ابطل موادی از این آیین‌نامه در دیوان عدالت اداری، اصلاح آیین‌نامه یادشده به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است.

معاون حقوقی قوه قضائیه با تأکید بر اینکه قوه قضائیه به استقلال وکلای دادگستری اعتقاد راسخ دارد، تصریح کرد: اعتقاد ما بر این است که وکیل همانند قاضی باید مستقل باشد و این مهم خط قرمز ما به شمار می‌رود؛ اما همان‌گونه که استقلال قاضی نافی نظارت بر رفتار او نیست، استقلال وکیل نیز نباید محملی برای گریز از پاسخ‌گویی و نپذیرفتن مسئولیت شود. این مقام قضائی با بیان اینکه قوه قضائیه طرفدار تکریم وکلا و ارتقای جایگاه وکالت است، تصریح کرد: دستگاه قضائی معتقد است اداره امور اجرایی و انتخابات هیئت‌مدیره کانون‌های وکلا از سوی کانون‌های وکلا در قالب قوانین موجود بدون مداخله قوه قضائیه انجام و استقلال کانون‌های وکلا در این حوزه نیز تضمین شود. او با اعلام اینکه قوه قضائیه اختلاف و تنش و اظهارنظرهای حاشیه‌ساز را به نفع جامعه وکالت نمی‌داند، اظهار کرد: دستگاه قضائی انتظار دارد نمایندگان منتخب جامعه وکالت در سیاست‌گذاری‌ها، رفع ابهام از قوانین و آیین‌نامه‌ها، ایجاد رویه واحد و زوددن سنت‌های ناصواب با مسئولان عالی قوه قضائیه همکاری مستمر داشته باشند و همان‌گونه که از یک جامعه حقوقی انتظار می‌رود، موضوعات با زبان حقوقی مطرح و استدلال‌ها بیان و مباحثه شود و هیاهو و جنجال‌آفرینی رسانه‌ای و تبلیغاتی در شان نهادهای حقوقی نیست.

او افزود: اگر منظور از استقلال خودگردانی کانون‌ها و مداخله‌نکردن حاکمیت در اداره امور آنها، انتخاب مدیران کانون‌ها از سوی اعضای صنف وکالت، نظام داخلی رسیدگی به تخلفات وکلا از سوی خود وکلا و به طور کلی اداره امور اجرایی کانون از سوی وکلا و صدور پروانه وکالت وتمدید آن و تعلیق پروانه از طرف کانون باشد، ما هم به طور کامل با این امر موافقیم و قانون نیز این امر را تضمین کرده است؛ اما اگر منظور این باشد که کانون وکلا از هر نظارتی مصون است و قوه قضائیه حق ندارد نظارت قانونی خود را در ساماندهی موضوع وکالت انجام دهد، این نه‌فقط استقلال نیست؛ بلکه قانون‌شکنی و عبور از قانون است. قوه قضائیه مصمم است در مقابل ندای تظلم‌خواهی مردم در قبال تعدیات و اینکه چه برخوردی با آنها می‌شود، پاسخ‌گو باشد. فرقی هم نمی‌کند که برخورد ناعادلانه از سوی وکیل باشد یا قاضی.

رئیس قوه قضائیه گفت: به‌روزرسانی و اتمام کار پرونده‌های قضائی معوقه در همین روزهای ابتدای سال امکان‌پذیر است، اما همکاران قضا دقت داشته باشند که رسیدگی به این پرونده‌ها، نباید موجب معوقه‌شدن پرونده‌های جاری شود. حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی در جلسه دیروز شورای‌عالی قوه قضائیه در بخشی از سخنانش با اشاره به نشست‌های هم‌اندیشی اخیر خود با اقشار مختلف از جمله کارگران و اصحاب تولید، توجه به نیروی کار در سال جهش تولید را مهم دانست و با تأکید بر لزوم پیگیری رفع موانع تولید از سوی همه دستگاه‌ها، تصریح کرد: نفس حمایت و پشتیبانی لفظی از تولید کافی نیست و باید در عرصه اقدام و عمل هم تلاش کرد. رئیسی افزود: در نشستی که چندی پیش با پرستاران برگزار شد، آنها تأکید کردند با اینکه این روزها مورد حمایت و تقدیر ملت هستند، اما مشکلاتی دارند که کمتر مورد توجه قرار گرفته و یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتشان عدم اجرای قوانینی بود که برای حمایت از این عزیزان تصویب شده است. رئیسی درعین‌حال از همکاران خود در دستگاه قضا در سراسر کشور که سال گذشته با حمایت از تولید و تولیدکنندگان برای رفع مشکلات و احیای هزار کارخانه، کارگاه و واحد تولیدی تلاش کردند تقدیر کرد و ارتباط آنها با کارآفرینان و کارگران را ضامن تحقق جهش تولید دانست.

روز ۱۶ اردیبهشت سال۱۳۵۴ مجید شریف‌واقفی، یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق، درپی ایستادگی بر مواضع اسلامی خود و نپذیرفتن مواضع جدید و تقاطعی برخی رهبران این سازمان به دست سران این گروه ترور شد. شریف‌واقفی در سال ۱۳۲۷ در تهران متولد شد. ۱۲روزه بود که پدرش، حبیب‌الله که کارمند اداره فرهنگ‌و هنر و استاد زری‌بافی بود، به اصفهان منتقل شد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در آن شهر گذراند. در همین دوران بود که به فعالیت‌های دینی و اجتماعی روی آورد. پس از خاتمه تحصیلات دبیرستانی به‌عنوان دانش‌آموز ممتاز اسفان شناخته شد. در سال۱۳۴۵ در زمره اولین دانشجویان دانشگاه صنعتی در رشته برق به تحصیل پرداخت و یکی از بنیان‌گذاران انجمن اسلامی آن دانشگاه بود. یکی از اعضای سازمان درباره نحوه وصل‌شدن او به سازمان می‌نویسد… آشنایی من با مجید شریف‌واقفی از اوایل دوره دانشگاه شروع شد و در انجمن اسلامی شرکت داشتیم بعداً در سال ۴۸ من و شریف‌واقفی توسط مسعود اسماعیل‌خانیان در جلسه مذهبی خوابگاه دانشجویان دانشگاه آریامهر آشنا شدیم که منجر به عضوگیری ما شد. در جریان ضربه اول شهریور سال ۱۳۵۰ در رابطه با اسناد و مدارکی که در «خانه جمعی» به دست آمده بود نام شریف‌واقفی نیز لو رفته و مأمورین به سراغ او رفتند. در آن هنگام وی به عنوان افسر وظیفه در اداره برق منطقه فارابی تهران مشغول خدمت بود. محسن سیدخاموشی که در ترور شریف‌واقفی دست داشت، می‌نویسد: «یک روز شریف‌واقفی در محل کارش بود، از طرف ساواک آمدند که او را دستگیر کنند، پیش او آمده گفتند آقای شریف‌واقفی کجاست، او در جواب گفته همین‌جا بایستید الان می‌روم صدايش می‌کند و بعد رفته بود و متواری شده بود». با شروع زندگی مخفی، شریف‌واقفی به‌همراه احمد رضایی به بازسازی سازمانی پرداخت که تمام کادرهای برجسته خود را از دست داده بود. در این زمان مجید به عنوان معاون کاظم ذوالانوار فعالیت می‌کرد. بعد از بازداشت کاظم در مهر ماه۵۱، مجید به مرکزیت سازمان راه یافت و با رضا رضایی هریدیف شد. بعد از کشته‌شدن رضا او نیز مسئول شاخه کارگری

شد. شریف‌واقفی علاوه بر این مسئولیت مسئول امنیتی سازمان نیز بود و همراه یک نشریه داخلی با نام «نشریه امنیتی» را منتشر می‌کرد. این نشریه تا آن‌در ۵۳ یکی از منظم‌ترین نشریات سازمان محسوب می‌شد.
مسئولیت‌های سازمانی شریف‌واقفی
مسئولیت دیگر او «گروه الکترونیک» بود و با نظارت او عبدالرضا منبری‌جاوید معروف به خسرو الکترونیک موفق شد بسیاری از فرکانس‌ها و امواج ریزم را کشف و کنترل کند. رابطه با افراد خارج از کشور و ارسال خبر، پیام و تحلیل برای آنها ازجمله دیگر مسئولیت‌های او بود. سازمان در جریان تغییر مواضع، مجید را به کارگری فرستاد. محسن سیدخاموشی درباره شریف‌واقفی نوشته است: «…عضو کمیته مرکزی بوده است. او مذهبی بود و در جریان خانه‌گردی شبانه دیگر حاضر نمی‌شود با بچه‌ها همکاری کند. به دلیل چاپ مقاله پرچم که در نشریه داخلی چاپ شده بود. در جواب به او می‌گویند که اگر حاضر به همکاری نشوی خیانت کرده‌ای و او حاضر می‌شود همکاری کند. بالاخره قرار می‌شود به کار کارگری برود. او به‌ظاهر مدت شش ماه به کار کارگری می‌رفته ولی در پنهان با حسین (مرتضی صمدیه لباف)

سیاست

رئیس قوه قضائیه:

هزار واحد تولیدی در سال گذشته با تلاش همکاران دستگاه قضائی احیا شد

رئیس‌ی با تأکید بر لزوم تداوم این روند در سال ۹۹ برای به‌سامان‌رسیدن هر چه سریع‌تر پرونده‌های معوقه، خاطرنشان کرد: به‌روزرسانی و اتمام کار این پرونده‌ها در همین روزهای ابتدای سال امکان‌پذیر است، اما همکاران قضا دقت داشته باشند که رسیدگی به این پرونده‌ها، نباید موجب معوقه‌شدن پرونده‌های جاری شود. وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اقدام خصمانه آمریکا برای تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران اظهار کرد: اقدام آمریکایی‌ها برای مردم آزاده جهان و فرهیختگان شگفتی‌آور است که از یک سو می‌گویند از برجام خارج شده‌ایم و از سوی دیگر بعد از دو سال می‌گویند در این قرارداد شریک هستیم. رئیس قوه قضائیه این رفتار را نشانگر تعارض آمریکایی‌ها در تصمیم‌گیری دانست و افزود: رفتار برخی کشورهای اروپایی هم برای جهانیان سؤال‌برانگیز است که چرا در اوج مسئله کرونا که آلمان گرفتار آن شده و میزان مرگ‌ومیر در آن بالاست و مردم این کشور به دنبال نجات جان خود هستند، آنها به دنبال نشان‌دادن عنادشان با حزب‌الله و جریان مقاومت مردمی هستند. جبهه بین‌المللی مقاومت شکل گرفته است و باید برای‌ی راهپیمایی میلیونی اربعین و شکل‌گیری حرکت‌های مردمی علیه آمریکا و تروریست‌ها و حامیانشان در عراق و سوریه و دیگر کشورهای منطقه را از دستاوردهای این جبهه دانست. رئیس قوه قضائیه خاطرنشان کرد: امروز

سرنوشت شریف‌واقفی به روایت خاموشی

انتقام‌گیری مکتبی



و کریم (سعید شاه‌سوندی) و زنش مشغول فعالیت برای تشکیل گروه جدید بوده است. آنها پیش اعضا پایین می‌رفتند و با آنها صحبت می‌کردند. بالاخره زن مجید شریف‌واقفی بعد از مدت شش ماه طی نامه‌ای که برای کمیته مرکزی می‌فرستد، مسائل پنهانی آنها را فاش می‌کند.
ترور شریف‌واقفی
مرکزیت سازمان در اسفند ماه۱۳۵۳ ازطریق لیلا زمردیان، همسر شریف‌واقفی که ضمناً رابط او با سازمان بود، دریافت که شریف‌واقفی که به‌دلیل مخالفت با تغییر ایدئولوژیک قبلاً از مرکزیت تصفیه شده بود، مسلح است. لیلا در یک متن انتقاد از خود -پس از اینکه از طرف مسئولش متهم شده بود که حقایق را نمی‌گوید- اعتراف کرد که از همان آذر ماه۵۳ می‌دانسته که شوهرش مسلح است، ولی گزارش نکرده است. ضمناً صمدیه لباف نیز یکی، دوبار به وحید افراخته گفته بود که دیگر به‌دلیل اعتقادی نمی‌خواهد با سازمان کار کند. این مسئله نیز شبانه ارتباط منظم مخالفان را برای هسته مرکزی سازمان تقویت کرد و بنابراین تصمیم به مذاکره اولیه با مخالفان گرفتند. در چند تماس که در فروردین ماه ۱۳۵۴ بین وحید افراخته، به نمایندگی از مرکزیت، با مجید شریف‌واقفی و صمدیه لباف گرفته شد، آنان صریحاً گفتند که دیگر نمی‌خواهند با سازمان کار کنند و تصمیم به جدایی گرفته‌اند. ازجمله انگیزه‌هاش مرکزیت سازمان در ترور او و شریف‌واقفی ترس از نوعی انتقام‌گیری مکتبی بوده است که تردیدی نیست قیاس به نفس کرده‌اند. مرکزیت توصیه کرد که شریف‌واقفی، صمدیه لباف و سعید شاه‌سوندی را تصفیه فیزیکی (ترور) کنند و ضمناً با سیف‌الله کاظمیان، سمیات صمدیه و انباردار آنها نیز بعد از ترور آن دو تماس گرفته شود که «آبارک» را تحویل دهد.

طبق قراره که ازطریق لیلا زمردیان به شریف‌واقفی ابلاغ شد، وحید افراخته و او در ساعت چهار بعدازظهر روز ۱۶ اردیبهشت۱۳۵۴ در سراه بوذرجمهری نو (۱۵ خرداد شرقی)، باید دیدگدر را می‌دیدند. قبلاً محسن سیدخاموشی و حسین سیاه‌کلاه در یکی از کوچه‌های خیابان راه‌پالماکال مسنقر شده بودند و در انتظار ورود شریف‌واقفی به سر می‌بردند که قرار بود علامت آن را منیژه اشرف‌زاده کرمانی بدهد. طبق برنامه، لیلا، همسر شریف‌واقفی -بی‌آنکه از جریان ترور مطلع باشد- او را تا محل ملاقاتش با وحید همراهی کرد و جدا شد. قرار بود در این ملاقات آخرین حرف‌ها زده شود و وحید -احتمالاً و صرفاً به‌لحاظ تاکتیکی برای انحراف ذهن- موافقت سازمان را به مجید شریف‌واقفی اعلام دارد. وحید او را به داخل خیابان ادیب برد و زمانی که به کوچه محل استقرار از عضو دیگر رسیدند و خواستند از آن عبور کنند، حسین سیاه‌کلاه یک گلوله از روبه‌رو به صورت شریف‌واقفی و وحید افراخته نیز گلوله‌ای از پشت‌عقب او را شلیک کرد. جسد او به‌سرعت در صندوق عسرتومبیلی که از قبل آماده بود قرار گرفت. وحید و دو نفر دیگر با رانندگی محسن خاموشی به‌سوی بیابان‌های مسگرآباد حرکت کردند. در آنجا شکم شریف‌واقفی به‌دست خاموشی و سیاه‌کلاه پاره شد و در آن، محلول بزئین و کلرات و شکر ریختند و آتش زدند. پس از سوزاندن جسد، آن را قطعه‌قطعه کردند و در چند نقطه دفن کردند. به علت سوزاندن و مثله‌کردن جسد، یکی از

اخراج آمریکا از منطقه خواست همه مردم منطقه است و شاید زدوبندهای سیاسی باعث تأخیر در تحقق این مطالبه شود، اما به برکت خون مطهر شهدای مقاومت، به‌ویژه شهید حاج‌قاسم سلیمانی تحقق می‌یابد و اخراج آنها از منطقه قطعی است. در این نشست، با توجه به اهمیت تحولات بورس و استقبال گسترده مردم برای سرمایه‌گذاری در این حوزه، مقرر شد مسائل مربوط به بورس در جلسه آتی شورای‌عالی قوه قضائیه با حضور کارشناسان این حوزه و صاحب‌نظران اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در ادامه این جلسه، حجت‌الاسلام درویشیان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور نیز از پیگیری مطالبات پرستاران گفت و افزود: بخشی از مطالبات آنها، بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان پرداخت شده و بخش دیگری نیز به زودی پرداخت خواهد شد. وی همچنین اعلام کرد جلساتی به منظور بررسی مسائل و مشکلات کارگران از جمله رقم دستمزد آنها در سال ۹۹ با حضور آنها و کارفرمایان برگزار شده است که گزارش آن را تقدیم کرد. دستگاه قضا خواهد کرد. رئیس سازمان بازرسی کل کشور به موضوع افزایش قیمت خودرو و التهابات ناشی از آن در جامعه نیز اشاره کرد و گفت که در این خصوص با معاون‌اول رئیس‌جمهور مکاتبه کرده و سازمان بازرسی منتظر دریافت توضیحات مقامات ذی‌ربط در این زمینه است.



دست‌های حسین سیاه‌کلاه مقداری سوخت که در نتیجه نتوانست در برنامه بعدی که قرار بود ساعت شش بعدازظهر اجرا شود (ترور صمدیه لباف)، شرکت کند.

جسدسوزی به روایت خاموشی

محسن سید خاموشی، از عوامل اصلی ترور شریف‌واقفی، اعترافات دهشتناکی درباره این حادثه دارد که عین آن را در حضور والدین او نیز تکرار کرد و از تلویزیون رژیم شاه پخش شد: «در محل قرار، علی و بعد حیدر و حسن هم آمدند. شش ماشین قهوه‌ای را هم با خود آورده بودند… وسایل ضروری را داخل ماشین گذاشتم (کلرات، بزئین، برزت، ابر، نایلون، هر کدام یک دست لباس اضافی برای خود آورده بودیم، میخ پنجری و لُک). صندوق عقب را مرتب کردیم؛ اول یک ورقه نایلون زیر انداختیم. بعد برزت را روی آن کشیدیم. بعداً ابر را روی برزت کشیدیم. حدود سه کیلو کلرات در بسته [های] یک کیلویی در داخل ماشین گذاشتم. یک بیت هم خریدیم و آن را بر از آب کرده داخل ماشین گذاشتم. طرح بدین شکل بود که روبه‌روی کوچه ادیب[الممالک] ای همشیره بایستد؛ بعد وقتی مجید شریف‌واقفی وارد کوچه شد، همشیره برود و عباس وارد کوچه شده مجید شریف‌واقفی را بکشد. بعد جسد را دو نفری (عباس و حیدر) باهم حمل کنند. در صندوق عقب بگذارند و بعد سوار شده بروند… حیدر سر قرار مجید شریف‌واقفی رفت. من و عباس هم ماشین قهوه‌ای را به کوچه‌ای برده نمره‌ها را باز کرده و نمره‌های جعلی را پشت شیشه‌های آن گذاشتم و به محل عمل رقتیم؛ ماشین را دم کوچه باریک گذاشتم و ایستادیم. چند لحظه بعد، علی با ناراحتی آمد و گفت: همشیره سر قرار خود نیامده؛ چه کار کنیم؟ عباس گفت: مهم نیست؛ من طوری می‌ایستم که لیمی از کوچه را ببینم، ما ایستاده بودیم که دیدیم همشیره با چادر آمد و روبه‌روی کوچه ایستاد. حدود یک ربع گذشت که همشیره رفت. عباس از من خداحافظی کرد و داخل کوچه شد؛ لحظه‌ای بعد صدای شلیک گلوله بلند شد. من لنگ را برداشتم و داخل کوچه شدم که دیدم مجید شریف‌واقفی [بود]؛ بعد دو نفری جسد را داخل ماشین آوردند. چند زن از دین صحنه داد و فریاد کردند که حیدر سر آنها داد کشید؛ ما پلیسیم، دور شوید. کسی که کشته شد خرابکار بود. ازطریق [کوچه] آب منگل و شهپاز رفته و از آنجا به خیابان عارف، نزدیک میدان خراسان [رفتیم]. حیدر پیاده شد و من و عباس وارد جاده مسگرآباد شدیم. همان موقع که مجید شریف‌واقفی روی زمین افتاده بود، اسلحه‌اش را از کمرش برمی‌دارند؛ همان اسلحه‌ای که از اتبار تخلیه کردند. ولی نارنجکش را برنمی‌دارند و نارنجک از کمرش می‌افتد و عباس و حیدر نفهمیده بودند؛ در نتیجه نارنجک در کوچه ماند. من و عباس در جاده مسگرآباد، همان‌جایی که [وحید افراخته] علامت داده بود، رقتیم ولی جایی برای سوزاندن جسد نبود؛ زیرا همان لحظه‌ای که ماشین را پارک کردیم، یک کله گوسفند و چند مرد نزدیک ما شدند. در هر صورت ما از منطقه دور شدیم و در امتداد جاده قدیم پیش رفتیم. بالاخره جایی یافتیم در ۱۸کیلومتری جاده مسگرآباد که چاله‌های زیادی داشت. بعد از مدتی معطلی، بالاخره جسد را از ماشین پایین انداختیم و

کلرات را روی جسد ریختیم، مخصوصاً [روی] صورت او. بعد بزئین ریختیم. بعد دست‌های خود را و ماشین را تمیز کردیم؛ بعد مقداری هم بزئین روی دست‌پوای عباس ریخته شد. در همان حال فندک را زد؛ از جسد شعله طوفانی بلند شد و از دست‌پوای عباس هم شعله بلند شد؛ مقداری عقب رفته، من روی او پریدم و او را زمین زده و شعله را خفه کردم. وقتی بلند شدیم، متوجه شدیم که شعله به در صندلی عقب ماشین گرفته؛ به سرعت داخل ماشین پریده و ماشین را از شعله‌ها دور کردم… در گودالی جسد را انداخته و کلرات و بزئین روی آن ریختیم. حبیب‌های آن را تخلیه کردیم؛ ۲۰۰دق قرص سیاورن داشت و مقداری نوشته که آیه قرآن در آن بود و حدود ۴۰۰ تومان پول».

جایگزین۴۲۰۰

● **وحید میرزاییکی:**… در دوره قبل از انقلاب تانکون، دولت‌ها دچار یک مغالطه حسابداری عمومی شده‌اند و همچنان بر این رویه اشتباه پافشاری دارند. آنها تصور می‌کنند منابع نفتی جزء درآمد دولت است؛ به همین دلیل این منابع را با درآمدهای مالیاتی جمع می‌کنند و داعیه بستن بودجه بدون کسری دارند. در حسابداری مدرن و مالیه عمومی، درآمد دولت تنها از ناحیه مالیات است و پس از کسر هزینه‌ها از این محل، هرآنچه می‌ماند کسری بوده‌است… اما دولت‌ها تانکون، هیچ گوش شنوایی نداشته‌اند…گوش نکردن به توصیه‌های دلسوزانه، اقتصاد کشور را با چالش‌های بسیاری روبه‌رو کرده… چرا ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی محصه امروز دولت شده است؟ چون دولت تگران است با شانورسازی نرخ ارز شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرف‌کننده افزایش یابد این نگرانی در سایر کشورهایی که پاینده به یک نرخ ثابت بوده‌اند، سابقه دارد؛ اما آنها پس از تحمل هزینه‌هایی از این سیاست عبور کرده‌اند… هنوز با بانک مرکزی مثل بانکی دولتی برخورد می‌شود. تقریباً در هیچ کشور هم‌ترازی با ایران بانک مرکزی چنین کاربردی ندارد. بانک مرکزی سیاست‌گذار است و نباید نقش بانک‌های دولتی را بازی کند… اگر به‌راحتی منابع محدود ارزی را در بازار به فروش نمی‌رساندند، چه اتفاقی می‌توانست بیفتد. نخست: اساساً احتمال توزیع رانت کلان، تخلف و… به‌شدت کاهش می‌یافت… دوم: منابع محدود در شرایط کنونی ارزان از دست نمی‌رفت و دولت ارزش روز آن را دریافت می‌کرد. سوم: منابع حاصل‌شده می‌توانست به کمک دغدغه مهم دولت برای حمایت از اقشار کم‌درآمد بیاید.

انتقام اخراجی‌های مجلس از مردم با مصوبه‌های بی‌خاصیت

● **مجلس دهم** با اکثریت طیف موسوم به اصلاح‌طلب و حامیان دولت تدبیر و امید ضعیف‌ترین مجلس در تاریخ ۴۰ساله جمهوری اسلامی ایران لقب گرفت. ضعف مجلس دهم و اتفاقات حاشیه‌ای که بعضاً به سبب کارهای برخی نمایندگان مجلس دهم روی داد، شورای نگهبان را مصمم‌تر کرد که در تأیید صلاحیت افراد دقیق از همیشه عمل کند. نکته جالب توجه این است که طیف منتقدان همیشگی نظارت شورای نگهبان در هنگامی که فیلم رفتار ناپسند یک نماینده در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شد، همین را وسیله‌ای برای قرار می‌دادند تا به شورای نگهبان بتازند که چرا در تأیید صلاحیت‌ها دقت بیشتری صورت نگرفته است؟! حالا پس از بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس یازدهم دوباره این طیف دست به کار شده‌اند که چرا شورای نگهبان نظارت خود را بر افراد انجام می‌دهد. از طرفی عده‌ای دیگر که تأیید صلاحیت شدند اما به سبب عملکرد ضعیف این طیف در مجلس دهم مورد اعتماد دوباره مردم قرار نگرفتند، حالا این جماعت که ترکیبی از ردصلاحیت‌شدگان از سوی شورای نگهبان و مردم هستند، به مصوبه‌های بی‌خاصیت برای انتقام‌گرفتن روی آورده‌اند.

درباره شفافیت انتخابات

● **حسین میرمحمدصادقی:**… به‌طورکلی اگر قرار بر قضاوت مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی باشد، باید گفت که برخورداری نظارت شورای نگهبان از یک چارچوب مشخص و قابل راستی‌آزمایی امری قابل‌توجه و مثبت محسوب می‌شود… پیش از این باتوجه به روند موجود و نتایج حاصله از آن، اوضاع هنگام بررسی صلاحیت کاندیداها به گونه‌ای بود که می‌توانست دامنه و تعداد نیروهای داخل نظام را به حد قابل‌توجهی کاهش دهد. امری که به‌هیچ‌مدان به مصلحت و منفعت نظام جمهوری اسلامی و ایران نبود و نخواهد بود. باتوجه به اصلاحات صورت‌گرفته در قانون انتخابات، ممکن است برخی درباره شیوه احراز التزام و عدم التزام داوطلب شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی مباحثی را مطرح کنند ولی باید توجه داشت که ران برجسب عدم التزام فرد به اسلام ازجمله برجسب‌های سنگینی است که در سال‌های اخیر مورد استفاده قرار گرفته است ولی باتوجه به مصوبات مجلس، این مهم نظام‌مند شده و این برجسب سنگین جز با حکم قضائی یا احیاناً اقرار قولی یا فعلی شخص به یک فرد مسلمان زده نخواهد شد… «باید اذعان کرد که در مجموع هدف و انگیزه نمایندگان طراح طرح دوفوریتی اصلاح قانون انتخابات و رأی‌دهندگان به آن، نظام‌مندسازی و شفاف‌سازی هرچه‌بیشتر قانون انتخابات و اقدامات شورای نگهبان بوده است.

کروناومسئله عدم قطعیت

● **محسن بیرهادی:**… یک. هرچند شیوع ویروس کرونا، پدیده‌ای پیچیده و از بسیاری جهات جدید است، اما این بدان معنی نیست که نتوان در مورد آن هیچ‌گونه پیش‌بینی کرد. تعیین چندباره زمان برگزاری رویدادهای مهم در کشور، نشان از این واقعیت دارد که ارزیابی متولیان امر با واقعیت، فاصله زیادی دارد… دو. غیر از مسئله برنامه‌ریزی، تداوم چنین وضعیتی، باعث بی‌اعتبارشدن وعده‌های مسئولان و تثبیت این گزاره در ذهن مخاطبان است که در نبود تدبیر و برنامه مدون، هر چیزی امکان دارد و هیچ چیز قطعیت ندارد…